



فصلنامه مدیریت شهری - شماره ۲۲ - زمستان ۱۳۸۷
Modiriat Shahri - No.22. Winter 2008

۲۳-۴۲

زمان دریافت مقاله:

۱۳۸۶/۱۲/۲۱

زمان پذیرش نهایی:

۱۳۸۷/۶/۴

بازشناسی عوامل هویتی بافت تاریخی دزفول و کاربرد آنها در توسعه شهر

محسن تابان*

کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

محمدرضا پورجعفر**

دانشیار و مدیر گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

Identifying factors recognition of dezfol historical fabric and their usage in city development

Abstract:

Dezfol has changed because of a historical change and its new shape which should grow from the old part, to become a new design, has ruined the solidarity and link with the old fabric. So there is an obvious different between the new and old fabric. The old fabric which was some days the birth place of citizenship concept is being destroyed. Irresponsible governors and people who are immigrants and do not have any memories about the city are destroying the city and with every wall destroying an urban cultural part are being destroyed.

The purpose of this article is to recognize the old fabrics of dezfol using resources, documents and studies to connect this old and new fabric and this only happens when the old city become fully recognized.

Keywords:

Dezfol- city, fabric of city, organic city, physical levels, spatial.

چکیده

شهر دزفول در اثر تحول تاریخی، دچار دگرگونی شده و شکل جدید آن که در روندی منطقی می‌باید از درون سازمان قدیم رشد یابد، برای رسیدن به طرحی نو، انسجام و پیوند با ساختار قدیم را برهم زده است.

از این رو تقابل و تعارضی آشکار میان شکل جدید و سیمای کهن که نتیجه قطع رشد درون‌زای شهر است، صورت گرفته است. شهر قدیم که روزگاری با پویایی و پویایی، باعث زایش مفاهیم شهروندی بود در محل خود ساکن شده و این سکون طولانی، آن را به سوی فرسودگی هدایت می‌کند.

بی‌توجهی مسئولان و بی‌تفاوتی ساکنان که به تبع مهاجر بودنشان نه دلبستگی مکانی دارند و نه خاطره فضایی، دیوار از پس دیوار را فرو می‌نشانند و با هر فرو ریختنی بخشی از فرهنگ شهری فرو می‌ریزد.

هدف این مقاله بازشناسی هویت تاریخی بافت قدیم دزفول با استفاده از منابع، اسناد و مدارک مرتبط و مطالعات میدانی است تا پیوستگی، تداوم و ارتباط شهر کهن با شهر جدید را در رویکردی تاریخی به شهرسازی احیا کرد. این ارتباط به صورت متعادل و پایدار زمانی رخ می‌دهد که موجودیت ساختار شهر قدیم شناخته شود و ریشه‌های تداوم آن نیز بررسی و تقویت گردد.

واژگان کلیدی:

دزفول، استخوان‌بندی شهر، شهر ارگانیک، سلسله مراتب کالبدی - فضایی.

*- نویسنده مسئول، تلفن: ۰۹۱۶۳۴۳۷۲۵۱، نمابر: ۸۸۰۱۰۰۱۱-۰۲۱

E-mail:mtaban@moares.ac.ir

** - تلفن: ۸۸۰۱۰۰۱۱-۰۲۱، نمابر: ۸۸۰۱۰۰۱۱-۰۲۱

E-mail: pourja_m@modares.ac.ir

مقدمه

ساختار شهرهای کهن، استعداد و قدرت حیات و زندگی را دارد و پدیده‌ای ماندگار است. ساکنان یک شهر به این فضاهای ماندگار نیاز دارند تا به آنها تعلق داشته باشند و معنای سکونتشان را از گذشته‌ای دیرین تا به امروز درک نمایند. «کوبن لینچ» ماندگاری را میزان مقاومت عناصر یک شهر در برابر فرسودگی و زوال و دارا بودن توانایی فعالیت طی دوره طولانی تعریف می‌کند (پاکزاد، ۱۳۸۵: ۱۱۳). این پدیده ماندگار در مقطعی از حیات طولانی مدت خود بر اثر تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی انقلاب صنعتی، با تغییر شکل و شالوده مواجه شده است. آنچه که امروزه بر ضرورت باززنده‌سازی و احیای این جزیره‌های تجزیه‌شده در درون شهر می‌افزاید، نیاز به ایجاد ارتباطی منطقی و منسجم بین فضاهای قدیم و جدید در جهت حفظ و تقویت یکپارچگی و هویت شهر است.

در این مقاله سعی شده تا با مروری گذرا بر ادبیات احیا و بازسازی بافت‌های کهن، رویکردی مناسب در جهت شناخت و بررسی سیر تحول ساختار فضایی بافت قدیم دزفول در مقاطع تاریخی مختلف تا به امروز، اتخاذ گردد. در این زمینه تئوری‌های مختلفی ارائه شده که به چند مورد به اختصار اشاره می‌گردد:

کامیلوسیتته^۱ در کتاب «هنر ساختن شهرها» نظرات مرمتی خود را به صورت سلسله مراتب مکانی یا فضایی، تلفیق و انطباق، هویت تاریخی، توازن از طریق ساماندهی فضاهای شهر، نفی عبور سریع در بافت‌های کهن و اولویت به عابر پیاده در درون بافت با رعایت مقیاس انسانی بیان می‌کند (حبیبی، ۱۳۸۱: ۴۰). ادmond بیکن^۲ در اثر بارزش «طراحی شهرها» نظریه «ساماندهی استخوان‌بندی اصلی شهرها» را متأثر از رشد شهربرشهر، با برخورداری از انگاره‌ای روشن از استخوان‌بندی شهر تشریح می‌کند. بدین ترتیب هر بخش از شهر قادر خواهد بود که در پیوند با استخوان‌بندی اصلی، در سطح وسیعی گسترش و تداوم یابد و قابلیت تغییر و اصلاح داشته باشد (حبیبی، ۱۳۸۶: ۲۷). کریستوفر الکساندر^۳

هدف از مداخله در بافت‌های کهن را ساماندهی دگرگونی‌ها می‌داند و شیوه اقدام، بازسازی، نوسازی و بهسازی می‌باشد، کاربری پیشنهادی وی، معاصر سازی و روش مداخله روش جامع مرمت شهری است (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۱: ۵۰). کوبن لینچ^۴ نیز با ارائه نظریه‌ها و دستورالعمل‌هایی، هدف از مداخله در بافت‌های کهن را ایجاد حس تداوم، خوانایی و سرزندگی در کالبد بافت قدیم می‌داند (همان، ۴۵). در میان نظریه‌پردازان داخلی دکتر محسن حبیبی در کتاب «از شار تا شهر» ساختار شهر ایران را از دوره قبل از اسلام، بعد از اسلام و دوران سه مقطع زمانی قبل از اسلام، بعد از اسلام و دوران معاصر تجزیه و تحلیل کرده و در این تحقیق، تئوری رشد شهر از درون را ارائه می‌کند و عقیده دارد رشد شهر از برون سبب گردیده تا شهر قدیم از نو ساختن خویش بازماند، معاصر نگردد و جریان زمان در کالبد استوار آن راه نیابد (حبیبی، ۱۳۷۵: ۴۲). دکتر محمدمنصور فلامکی نیز جهت باززنده‌سازی شهرهای تاریخی روش‌هایی چون طرح‌های بهداشتی و فنی، طرح‌های تزئینی، طرح‌های بازسازی، مرمت فضای محدود و طرح جامع مرمت شهری را ارائه می‌کند (فلامکی، ۱۳۷۵: ۲۲). دکتر خوشنویس، گام اول در شناخت بافت‌های تاریخی را تدوین نظام ارزشمندی‌های آن می‌داند که این نظام می‌تواند ترکیبی باشد (کوچک‌خوشنویس، ۱۳۸۳: ۹). دکتر منصوره بافت تاریخی را به عنوان یک سیستم و کلیت یکپارچه می‌داند و هویت و حیات بافت تاریخی را با سازمان فضایی تعریف می‌کند که تهدید اصلی علیه آن، مداخلات ناآگاهانه و نابخردانه است و شناخت بافت را در گرو شناخت سازمان فضایی شکل‌دهنده به آن می‌داند (منصوری، ۱۳۸۳: ۱۰). هدفی که جهت باززنده‌سازی یک بافت در نظر گرفته می‌شود باید خدمت به جریان زندگی را مدنظر داشته باشد؛ در این صورت است که مفهوم‌دار می‌شود. بایستی تداوم گذشته و حال را مورد توجه داشت و به شهر به عنوان یک مجموعه و نه عناصر منفک و مجزای تاریخی - شهری، بلکه به عنوان بافت تاریخی و یک ارگانیزم زنده و پویا نگاه



کرد (پورجعفر، ۱۳۷۹: ۴۶).

فصل مشترک تمامی نظراتی که ذکر شد، ضرورت شناخت ساختار اصلی شهر کهن و سلسله مراتب کالبدی و فضایی اش به عنوان یک سیستم یکپارچه متشکل از سلول‌های عناصر و اجزای هویتی آن، پیش از هرگونه مداخله در بافت است.

شناخت بافت کهن دزفول از زمان پیدایش تا به امروز با رویکردی تاریخی به بستر تحولات شهرسازی آن در چهار زمینه کالبدی، عملکردی، شبکه دسترسی و ویژگی‌های بصری و نشانه‌های شهری صورت گرفته است. در مبحث بررسی‌های کالبدی، ابتدا شناخت عناصر ساختار اصلی شهر صورت می‌گیرد. «مقصود از ساختار اصلی، مجموعه مرتب و پیوسته‌ایست مرکب از عناصر اصلی و فعالیت‌های اصلی شهر که فضاهای شهری آن یعنی میدان‌ها و خیابان‌ها را تشکیل می‌دهد» (توسلی، ۱۳۷۱: ۷). این عناصر در دو گروه عناصر طبیعی و عناصر مصنوع طبقه‌بندی می‌شوند. عناصر طبیعی عبارتند از: ناهمواری‌ها، رودخانه، پوشش گیاهی و عناصر مصنوع عبارتند از: ابنیه و مراکز فعالیتی، فضای سبز و باز شهری، شبکه راه‌ها. در بررسی شبکه دسترسی، اول ارتباط نقاط مختلف شهر و خارج شهر به شبکه استخوان‌بندی اصلی و دوم شبکه ارتباط داخلی و دسترسی بین عناصر بافت قدیم مطالعه می‌شود. در ویژگی‌های عملکردی و فعالیت‌ها علاوه بر شناخت کارکردهای گوناگون شهری عناصر، ابعاد اجتماعی- فرهنگی و ابعاد اقتصادی فعالیت‌ها نیز مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در بررسی ویژگی‌های بصری، نشانه‌های شهری و شبکه نمادین شهر مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

۱- عوامل طبیعی و محیطی مؤثر بر شکل‌گیری شهر

اگرچه عوامل نظامی و دفاعی مهم‌ترین نقش را در ایجاد هسته اولیه شهر دزفول داشته‌اند، اما نحوه شکل‌گیری، استقرار و گسترش شهر از عوامل طبیعی و محیطی

تبعیت داشته است. برای ایجاد یک قلعه نظامی به منظور محافظت از پل قدیمی، بلندترین مکان در کنار رودخانه و نزدیک به پل، به منظور احاطه بر زمین‌های اطراف و غلبه داشتن بر دشمن در هنگام جنگ، انتخاب شده است. وجود رودخانه و امکان دسترسی آسان و وجود زمین‌های زراعی با خاک مرغوب برای کشاورزی که امکان رشد شهر و تداوم بقای آن را در زمان‌های بعدی فراهم می‌آورده است، از دیگر مسائل مؤثر در پویایی و استمرار حیات شهر بوده‌اند. شیب طبیعی کنار رودخانه و امکان هدایت آب‌های سطحی در بافت به طرف آن، به عنوان یک کانال طبیعی در نحوه شکل‌گیری بافت قدیم شهر دزفول نقش مهمی داشته است. همچنین مسأله مهم دیگری که در شکل‌گیری نوع ساختمان و فضاهای داخلی شهر دزفول و تمایز نحوه ساخت خانه‌های قدیمی آن با شهرهای دیگر ایران مؤثر است، جنس زمین می‌باشد. زمینی که بافت قدیمی شهر دزفول بر پهنه آن استقرار یافته است دارای بستر سخت کنگلومرایی می‌باشد (امام‌هاوایی، ۱۳۸۲: ۳۱). این حالت، امکان حفر کانال‌های هدایت آب و ایجاد شوادان‌ها و شبستان‌هایی (پورعلی، ۱۳۸۴: ۵۹) را در دل زمین برای پایداری شرایط زیست فراهم آورده است.

۲- پیدایش شهر دزفول و رشد اولیه آن

دزفول معرب دژپل است. پل دزفول در میانه راه چندیشاپور و شوش قرار داشت و پادشاهان دژی در کنار رودخانه نزدیک به آن ساخته بودند تا آن را از تصرف و تخریب راهزنان حفظ نمایند (تصویر شماره ۱). پس پل و دژ (قلعه) که اکنون در قسمتی از آن محله قلعه دزفول واقع است از نخستین بناهایی بوده که در آنجا واقع شده است و البته وجود قلعه‌ای دیگر در کنار آن نیز در متون قدیمی بیان شده است.

گاه به مناسبت شهر روناش که سمت غربی رودخانه بوده است و اکنون محل آن را «رعناش» خوانند، این پل را پل روناش و دز را قصرالروناش گفته و مردمش را قصری نامیده‌اند. مقدسی در اواخر قرن چهارم در ذکر



شهرهای ولایت جندی‌شاپور می‌گوید (مقدسی، ۱۳۸۵: ۵۱): «الذی، الروناش» که ذکر حرف تعریف در اول هر دو نام مجزا بودن آنها معلوم می‌گردد و اصطخری^۵ در نیمه اول سده چهارم تنها اندامش را نام برده که گوید: از لور تا اندامش دو فرسخ و از پل اندامش تا جندی‌شاپور هم دو فرسنگ. یاقوت حموی این دو را یک شهر شمرده است (یاقوت حموی، ۱۳۸۱: ۳۴۴): اندامش به کسر میم شهری است میانه کوه‌های لور و جندی‌شاپور؛ و در جای دیگر می‌گوید: قصر روناش از شهرهای خوزستان است و همان جایی است که معروف به دز پل و معنای آن قلعه القنطره است (یاقوت حموی، ۱۳۸۱: ۱۰۱). حمدالله مستوفی می‌گوید: دز فول آن را اندامشک گفته و از اقلیم سوم است. بر دو جانب آن جندی‌شاپور نهاده است و پل بر آن آب بسته‌اند و ۴۲ چشمه و در ازای پل ۵۲۰ گام و عرضش ۱۵ گز و آن پل را پل اندامشک خوانند و آن شهر را بدان پل باز خوانند. در سده هشتم اب بطوطه^۶ یکی از دروازه‌های شوشتر را دروازه «دسبول» نامیده است (رحیمیه، ۱۳۵۳: ۱۶).

از سخنان نویسندگان می‌توان این گونه برداشت نمود که چون روناش و دز فول «اندامش» در دو سوی رودخانه ساخته شده بود، بعضی این دو قسمت را دو شهر جداگانه برشمرده و برخی هر دو را دو محله از یک شهر انگاشته‌اند. شوشکانی^۷ در «تاریخ فارس» کلمه دز فول بی‌شک چنانچه یاقوت حموی ایراد کرده در اصل دز پهل مرکب از دز «دژ» به معنی قلعه و کوشک و پهل که به عبارت دیگر قلعه پل می‌شود و این نام به واسطه قلعه‌ایست که در ساحل شرقی این رود ساخته بودند و تا چند سال پیش اثر آن برجا بود.

آنچه که از اهمیت دز فول می‌کاسته وجود شهر عظیمی چون جندی‌شاپور بوده که تا قرن چهارم و پنجم، شهر دز فول از توابع آن بوده است. مطالبی که راجع به حیات شهر جندی‌شاپور بیان شده روشن‌گر این مطلب است که شهر تا قرن پنجم هجری دارای ارزشی نسبی بوده و برطبق شواهد، شکل‌گیری دز فول و تمرکز مردم را می‌توان در همین حدود به سبب از رونق افتادن دو شهر

شوش و جندی‌شاپور و نیاز به استحکامات این شهر برای تأمین امنیت دانست. آنچنان که از تاریخچه مسجد جامع دز فول (امام اهوازی، ۱۳۸۲: ۵۲) پیداست اولین قسمت بنای مسجد به قرن اول هجری بر می‌گردد؛ شبستانی بزرگ که به غریب‌خانه معروف بوده و این زمانی است که نامی از دز فول نیست و شهر را به نام روناش می‌شناسند و احتمالاً این بخش مسجد، پرستشگاه زرتشتیان و یا دیگر ادیان ایرانی پیش از اسلام بوده است.

۳- سیمای شهر دز فول (از دوران اولیه شهرنشینی تا صفویه و زندیه)

نقشه قدیم دز فول وجود دو بخش کهندژ و شارستان را روشن می‌سازد. در دیواره بیرونی شارستان بازار و مسکن پیشه‌وران و بازرگانان و کشاورزان وجود داشته که نام این مشاغل بر کوچه‌ها (خراطان، جلدوزان، نمدمالان و...) باقی است و در حال حاضر خرابه برج دیدبانی شهر در کناره جنوب غربی صحن بقعه شیخ اسماعیل قصری، در گوشه بیرونی دهک‌ای در بازار هنوز پا برجاست (تصویر شماره ۲).

۵- در حدود سال ۲۴۰ ه.ق می‌زیسته است.
۶- ابو عبدالله بن عبدالله بن ابراهیم طوحی (۷۰۳- ۷۷۹) صیاح و جغرافیدان مشهور که از سال ۷۲۵ سفر خویش را آغاز نموده است. ص ۱۱۹ جزء اول دحله ابن بطوطه.

تصویر (شماره ۱): پل قدیم دزفول (مأخذ: نگارندگان)



تصویر (شماره ۲): «بقایایی از برج‌های شهر» (مأخذ: نگارندگان)



تصویر (شماره ۳): هسته اولیه شهر و دروازه‌های آن (مأخذ: نگارندگان)



دو دروازه از دروازه‌های شهر در طرفین حصار قرار گرفته بود یکی در شمال به نام قویی «مرتضی علی» که هم اکنون نیز آثار آن باقی است و دیگری در جنوب به نام دروازه جلدوزان که تنها اسمی از آن در میان اهالی باقی است (تصویر شماره ۳).

مراحل بعدی بر اساس وجود بندارهایی^۷ است که خطی منطقی از خندق‌های الزامی دوران مختلف گسترش شهر را ترسیم می‌نماید، که شروع آن از اولین تجمع مردم در اطراف قلعه یعنی سده پنجم هجری است (تصویر شماره ۴). بقعه شیخ اسماعیل در جوار بازار و محل قلعه از آثار دوره سلجوقیان در بیرون شهر قدیم است که یاقوت حموی در سده ششم نامی از آن به میان آورده است. استخوان‌بندی قدیم شهر دزفول سیر تکامل شهرسازی سامانی و آل‌بویه در دوره سلجوقی با گسترش ریض یا بیرون دیوارهای شارستان را به نمایش می‌گذارد.

در این دوره همچنان که اساس شهرهای ایرانی بر آن پی‌ریزی شده وجود مسجد جامع به‌عنوان عاملی مشخص در بخش بیرونی شارستان یا ریض به چشم می‌خورد که گسترشی بر اولین ساختمان‌های دوران قبل از اسلام است. بازار همچنان با گسترش منطقه قدیمی همراه است و وجود راسته‌های مختلف، شخصیتی تازه برای این بخش از شهر فراهم می‌آورد.

گسترش بعدی در دوره تیموری است که از این دوره دو بنا یکی به نام «امامزاده شاه رکن‌الدین» در قسمت جنوب شرقی حصار و دیگری بقعه سیدعلی مشهور به سیدسلطان‌علی رودبند در ساحل شرقی رودخانه دز در شمال و در خارج شهر مقابل محل رعنا^۸ یا همان روناش قدیم وجود دارد که در این زمان محدوده مسکونی اطراف که مسکن مریدان او بوده را در بر داشته است. وسیع‌ترین گسترش در زمان صفویه به‌وجود می‌آید که روابط جدیدی در شکل‌گیری‌های بعدی است (تصویر شماره ۵).

در این دوره همچنان که در دیگر شهرهای هم‌زمان می‌بینیم خدمات شهری که از زمان اولین شهرهای ایران آغاز و در قرون چهارم و پنجم به اوج خود می‌رسد، به

گونه‌ای وسیع در تمام قسمت‌های شهر گسترش می‌یابد. از آن جمله می‌توان به عوامل آبرسانی چون قنات و چاه به منظور کشاورزی و آشامیدن، استفاده از آسیاب و نیل‌سازی جهت پیشبرد عوامل اقتصادی و تجاری نام برد. در این مرحله، هر محله با خدماتی نظیر: حمام، مسجد و بازار همچنان نقشی اساسی و سازنده به‌صورت واحدی بر بافت شهری داراست. کانال‌های زیرزمینی^۹ جهت مصارف آبیاری به‌منظور استفاده از آب رودخانه و برگرداندن آن بر روی زمین‌های زراعی بوده است و خود حدی مشخص از توسعه شهر صفوی است (تصویر شماره ۶).

در زمان خلافت عمر بن خطاب به دستور وی دور دژیل حصاری کشیده می‌شود که دارای چهار دروازه به قرار زیر بوده است: (رشیدیان، ۱۳۶۷: ۴۳)

۱- دروازه پل؛

۲- دروازه شوشتر؛

۳- دروازه بختیاری؛

۴- دروازه خراسان؛

عرض حصار در بعضی نقاط به شش متر می‌رسید و دارای چندین «قل» بود و روی هر قلی برجی و چند نگهبان برای حفاظت شهر بوده است، از جمله قل‌ننه، که قسمتی از این حصار تا سال ۱۳۲۴ بر جای بوده ولی به‌واسطه احداث خیابان‌ها و خراب شدن خانه‌ها و احتیاج به زمین برای مسکن و افزایش جمعیت و ساختن خانه و غیره، حصار برداشته شده و شاید به شعاع سه کیلومتر یا بیشتر جهت تأمین مسکن بر وسعت شهر افزوده شده است. سه دروازه مهم شهر در این دوره عبارت بودند از:

۱- دروازه دزفول، که همان پل قدیمی دزفول بوده است؛

۲- دروازه شاه خراسان؛

۳- دروازه شوشتر، که شهر را در رابطه با شوشتر قرار می‌دهد. بررسی نقشه سال‌های مختلف نشانگر اهمیت این محور و گویای رفت‌وشد از شهر به طرف شوشتر و دیگر شهرهای جنوبی است.

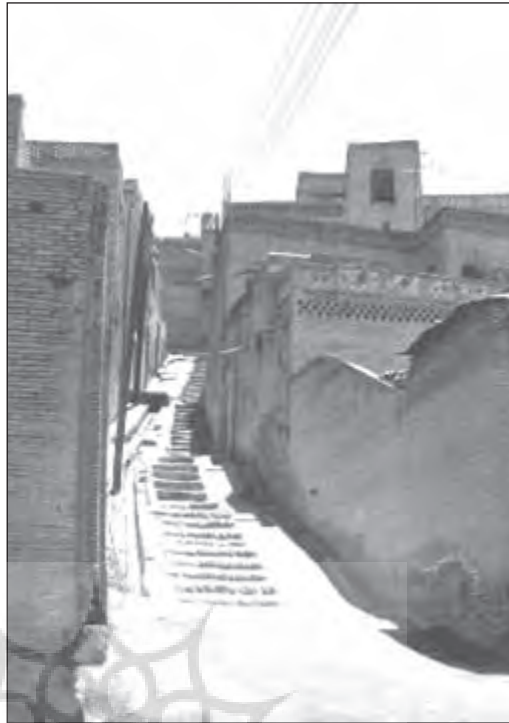
آخرین گسترشی که استخوان‌بندی آن تا حدودی

۷- سرازیری‌هایی که اثر خندق‌های قدیمی است.

8-Rana

۹- قسمت‌های سربازی که در محل «قمش» خوانده می‌شوند، ارتباط کانال‌های زیرزمینی را با سطح مهیا می‌کرده است.

تصویر (شماره ۴): نمونه‌ای از بندار «سرازیری» (مأخذ: نگارندگان)



تصویر (شماره ۵): بنای امامزاده رودبند (مأخذ: وبلاگ کافی نت شهر)



تصویر (شماره ۶): استقرار قمش (قنات) در دوره‌ای از گسترش دزفول (مأخذ: نگارندگان)



باقی مانده، از دوران قاجار است. بافت شهری در یک گسترش شعاعی از شهر زمان صفوی و برطبق اصول مرسوم شهری دنبال می‌شود و خطوط کلی بافت دارای تداومی منطقی هستند که در دوره پهلوی خیابان‌کشی جدید سبب از هم گسیختگی این بافت می‌گردد. در دوره قاجار بازار اعتبار چندانی را دارا نیست. چنانکه در سفرنامه خوزستان آمده است (نجم‌الدوله، ۱۳۴۱: ۱۱): دزفول بازار معتبری ندارد، میدانی دارد که همه معاملات در آن انجام می‌شود، البته بازارهایی در حوزه عمل هر محله و برای تغذیه آن موجود بوده است. بر اساس نقشه سال ۱۸۵۰ میلادی که توسط واحد نقشه‌برداران سروان پرسکوریاکف روس انجام شده این شهر دارای حصار بوده که به‌وسیله شش دروازه کنترل می‌شده و عبارت بودند از:

۱- دروازه بابایوسف، در کنار مقبره امامزاده رودبند در شمال شهر که با گسترش شهر و از بین رفتن حصار از بین رفته است.

۲- دروازه بختیاری، در شمال شرقی که همان گونه که از نام آن پیداست دروازه ورود لره‌های بختیاری به شهر بوده است.

۳- دروازه شوشتر، در شرق که بر سر راه مهم‌ترین محور شهر از دروازه پل به سمت شوشتر بوده است.

۴- دروازه شاه خراسان، در جنوب؛

۵- دروازه صابیون، در جنوب غربی؛

۶- دروازه پل در غرب.

توضیحات نقشه وجود ده میدان در شهر را نشان می‌دهد که نام و موقعیت شش میدان (میدان اردو، میدان کوچک، میدان باروت، میدان بازار بزرگ، میدان شیخ جمال، میدان کاروانسرا) ذکر شده است. نقشه ۱۸۵۰ میلادی، دزفول را با بیش از پانزده زیارتگاه، هفت مسجد، سه کاروانسرا و پنج حمام معرفی کرده و از نظر موقعیت جغرافیایی به‌علت قرارگیری در مرز میان قبایل بزرگ و کوچک لرها و قبایل اعراب بادیه‌نشین از طرف دیگر و تلاقی راه‌های کاروانرو ایران و عربستان به لحاظ اداری برای ایران دارای اهمیت ویژه قلمداد می‌کند (تصویر شماره ۷).

تجارت عمده مردم دزفول در این زمان نیل بوده که به نقاط مختلف ایران و بغداد فرستاده می‌شده است. قرارگیری مسیرهای ارتباطی مهم شهر در دو راستای شمالی- جنوبی و شرقی- غربی سبب شکل‌گیری مراکز اصلی شهر در این دو محور شده است. مسیرهای ارتباطی از شمال از طریق پای پل و مندلی به بغداد، از جنوب به بهبهان و شیراز، از شرق به شوشتر و از غرب از خرابه‌های شوش و اهواز گذشته و از طریق محمره به بغداد منتهی می‌شده است. در محل تلاقی محور راسته بازار با محور شرقی- غربی مسجد جامع شهر واقع شده است (تصویر شماره ۸).

بازار در هسته مرکزی بافت قدیم دزفول واقع شده و از قرن چهارم و پنجم هجری، همواره آباد و مرکز فعالیت و دادوستد بوده است؛ لیکن همان گونه که در نقشه شهر مشخص شده در این دوران بازار به‌صورت میدانی بوده که همه معاملات در آن انجام می‌شده است.

در اطراف این میدان سه مسجد و بنای امامزاده اسماعیل واقع بوده است. بازارهای کوچک دیگری در حوزه هر محله در حضور مراکز مذهبی چون مساجد و تکیه‌ها و حمام و مدارس مراکز محله را شکل داده است (تصویر شماره ۹).

تصویر (شماره ۷): نقشه شهر دزفول در سال ۱۸۵۰ میلادی (مأخذ: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری دزفول)



تصویر (شماره ۸): قرارگیری مسجد جامع در محل تلاقی دو محور (ترسیم‌کننده: نگارندگان)



تصویر (شماره ۹): تصویری از میدان مرکزی شهر با برداشت از سیزده میدان در شهرهای مختلف ایران (مأخذ: حمیدی، ۱۳۷۶)



۳-۱- ساختار کالبدی

اگرچه به دلیل وجود معماری متفاوت و احجام رفیع تر نسبت به ابنیه مجاور، نقش نمادینی در شهر داشته است، اما احتمالاً به دلیل الگوی گذرهای مجاور آن از شعاع تأثیر بصری محدودی برخوردار بوده است.

دسترسی اصلی به ستون فقرات شهر از طریق ارتباط مستقیم با یک دروازه و دسترسی غیرمستقیم از سایر دروازه‌های شهر از طریق امتداد محورهای اصلی تردد در شهر، از خارج شهر به آن تأمین می‌شد. چون تمام راسته‌های اصلی شهر به بازار منتهی می‌شد، تمام نواحی مسکونی در شهر از طریق راسته محله‌ها ابتدا با مرکز محله خود و سپس با مرکز شهر در ارتباط قرار می‌گرفتند. شبکه راه‌های شهر الگویی ارگانیک و نامنظم دارد و اغلب تقاطع راه‌های فرعی با محورهای اصلی به صورت سه‌راهی است.

۴-۳- سیر تحول بافت قدیم از اواخر قاجار تا به امروز

در اواخر قاجار محدوده عناصر اصلی شهر همچنان دارای موقعیت مرکزی در شهر بوده و با وجود گسترش شهر و تخریب حصار اطراف شهر به علت توسعه از سوی شرق، سایر عناصر در مجاورت و نزدیکی عناصر قبلی قرار گرفته و با توسعه شهر در تمام جهات داخل و برون حصار، موقعیت مرکزی استخوان‌بندی شهر حفظ گردید.

۴-۱- ساختار کالبدی

در تکمیل الگوی خطی قبلی، توسعه ساختار شهر در این مرحله، آن را به الگوی خطی - شاخه‌ای (محور تجاری اصلی) در راستای دروازه شوشتر و پل قدیم و ترکیب خطی - هسته‌ای در محور شمالی جنوبی (بازار و مسجد جامع و امامزاده‌ها) تبدیل می‌نماید. در این مرحله همچنان هسته‌های کوچک از مراکز محله وجود دارد که توسط مسیرهای اصلی به مرکز شهر متصل می‌شوند. به‌طور کلی می‌توان گفت که دو الگوی خطی - شاخه‌ای و خطی - هسته‌ای به صورت ترکیب با یکدیگر وجود داشته است (تصویر شماره ۱۱).

ساختار کالبدی شهر شامل استخوان‌بندی اصلی در مرکز شهر، محله‌های مسکونی در پیرامون آن، باغات و مزارع در حواشی محله‌های مسکونی و سپس احاطه کل شهر با حصار بوده است. بر اساس الگوی سنتی شهرسازی ایران، بخش حکومتی به صورت مجزا از بخش‌های مسکونی قرار داشته و رابط میان آنها در قسمت شارستان یک فضای باز شهری بوده است. ایجاد کشش میان دو قطب (دروازه شوشتر و پل) فرم خطی را به وجود آورده است. عناصر اصلی به صورت هسته‌ای در کنار محور قرار گرفته‌اند (تصویر شماره ۱۰).

۳-۲- بافت شهری

مراد از بافت شهری قطعه‌بندی اراضی عناصر شهری و نحوه ترکیب پروخالی (فضاهای باز و ساخته‌شده) در قطعات مختلف با یکدیگر و با گذر اصلی (مسیر دسترسی) است. به جز میدان مرکزی شهر، فضای باز ویژه هر عنصر شهری (فضای باز نیمه‌عمومی)، در مجاورت شریان اصلی همجوار آن قرار نداشته و فضای باز، محصور در قسمت‌های ساخته شده است. قطعه‌بندی‌های اراضی محدوده مرکزی نسبت به بقیه سطح شهر بزرگ‌تر بوده و الگوی همجواری پروخالی با گذر به صورت همجواری مستقیم ساختمان‌ها با گذر و همجواری غیرمستقیم فضای باز عمومی (گذر) با نیمه‌عمومی (حیات مساجد و کاروانسراها) بوده و ارتباط میان آنها توسط دالانی (ساباط) صورت می‌گرفته است.

۳-۳- ویژگی‌های بصری و دسترسی‌ها

به دلیل فشردگی بودن بافت شهری و درجه بالای محصوریت معابر به دلیل بهره‌گیری از سایه، چشم‌اندازها از درون عناصر شهر و در محدوده درون شهر به یکدیگر محدود بوده است. تنها جایی که از درون شهر چشم‌انداز مناسبی داشته احتمالاً میدان مرکزی شهر بوده که با توجه به درجه محصوریت پایین، به مسجد جامع، مقبره سبزقبا و باروی شهر دید داشته است. مسجد جامع نیز



تصویر (شماره ۱۰): شکل‌گیری فرم خطی در دو محور (مأخذ: نگارندگان)



تصویر (شماره ۱۱): نقشه شهر دزفول سال ۱۳۰۸ (مأخذ: نگارندگان بر اساس نقشه قدیمی موجود در اداره میراث فرهنگی شهرستان دزفول)



۴-۲- بافت شهری

از نظر بافت شهری تا زمان پهلوی تغییری جز اضافه شدن مدارس و مساجد جدید با قطعه‌بندی با مساحت بیشتر و دارای فضاهای باز مشاهده نمی‌شود؛ اما همچنان الگوی درون‌گرایی بافت قابل توجه است. رشد بافت همچنان به صورت ارگانیک و نامنظم است و معابر دارای درجه محصوریت بالایی می‌باشند. بررسی فضای پرورالی بافت، بافتی فشرده و به هم تنیده را نشان می‌دهد.

۴-۳- شبکه دسترسی

گسترش ساختار شهر در امتداد محورهای اصلی دسترسی از نقاط مختلف شهر به آن را نیز باید ناشی از نقش مهم شبکه دسترسی‌ها به این محدوده دانست. توزیع دسترسی از ساختار اصلی به نواحی مختلف آن از الگو و نظام مناسب برخوردار بوده به نحوی که دسترسی به تمام قسمت‌های شهر را فراهم ساخته است. این الگو به صورت انشعاب شاخه‌های اصلی از ستون فقرات شهر و سپس اتصال آن به صورت شبکه شطرنجی نامنظم با راه‌های فرعی است (تصویر شماره ۱۲ و ۱۳).

گسترش بافت به صورت شعاعی از دوران اولیه شهرنشینی تا اواخر قاجار در دوره پهلوی اول با احداث خیابان‌های جدید بدون توجه به روند منطقی درون‌زای شهر و به تقلید از شهرهای اروپایی وارد مرحله جدیدی شد که منجر به گسست بخش قدیم در ساختار درونی و ارتباط بیرونی گردید (تصویر شماره ۱۴).

۵- تحول شهر و سیمای آن در دوره پهلوی

در دوره پهلوی اول و متعاقب آن پهلوی دوم به علت تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، شهر چهره جامعه‌ای اداری- صنعتی به خود گرفت. دولت با اقدامات عمرانی به گسترش نهادهای دولتی و مؤسسات اجتماعی و اقتصادی جدید دست زد تا به عنوان ابزار تأمین اهداف سیاسی- اقتصادی خود و زمینه‌سازی دگرگونی ساختار اجتماعی به کار بسته شود. از نظر کالبدی شهر با وجود توسعه‌هایی که یافته بود در داخل حصار قدیم قرار داشت.

به علت سرعت آهنگ رشد شهر و با هدف ایجاد تغییرات بنیادین، در پی گسترش شهر به خارج از حصار، حصار به طور کامل از بین رفت و خیابان‌های جدید درون بافت احداث گردید. بدین ترتیب سیما و هویت بافت قدیم که شهری قرون وسطایی و محصور بود تغییر یافت و شهری که محدوده‌های رشد فیزیکی آن از میان برداشته شده بود، در جهت دست یافتن به سیما و هویتی نوین گام برداشت. از این دوره آنچه که بیش از هر چیز به یاد مانده، خیابان‌کشی‌هایی است که به تقلید از شهرهای اروپایی، بافت شهری بریده شد و ابتدا و انتهای آن به هم وصل گردید.

۱-۵- ویژگی دسترسی و آمدوشد

با افزایش اهمیت خیابان در شبکه آمدوشد و به ویژه ضرورت‌های به کارگیری از وسایل نقلیه موتوری، رابطه عناصر و کاربری‌های مستقر در ساختار شهر و شبکه راه‌ها به سه صورت در می‌آید:

۱- اصلاح، تعریض و تداوم مسیرهای قبلی؛

۲- پیش‌بینی احداث کاربری همراه با احداث خیابان؛

۳- احداث شبکه راه و سپس استقرار تدریجی ابنیه و مراکز تجاری (تصویر شماره ۱۵).

الگوی فضای باز موجود پاره‌ای از مراکز محله که در مسیر خیابان‌های جدید قرار نمی‌گرفت، همچنان به صورت فضاهایی با اشکال نسبتاً منظم و ارگانیک در محل تلاقی گذرها باقی ماند. نمونه‌ای از این الگو، میدان شاه‌کن‌الدین در کنار امامزاده‌ای به همین نام در محله صحرا بدر مشرقی است (تصویر شماره ۱۶).

بازار که با گسترشی خطی- هسته‌ای توسعه یافته بود، به علت پاره شدن ساختار زنجیره‌ای‌اش در بعضی قسمت‌ها به صورت خطی (بازار خراطان) و در قسمت‌های دیگر به صورت ترکیبی از الگوی خطی و هسته‌ای (راسته بازارها در هسته اولیه بازار) به حیاتش ادامه می‌دهد (تصویر شماره ۱۷).

تصویر (شماره ۲ و ۱۳): پروخالی بافت قدیم دزفول در اوایل پهلوی اول (مأخذ: نگارندگان بر اساس نقشه سال ۱۳۰۸)



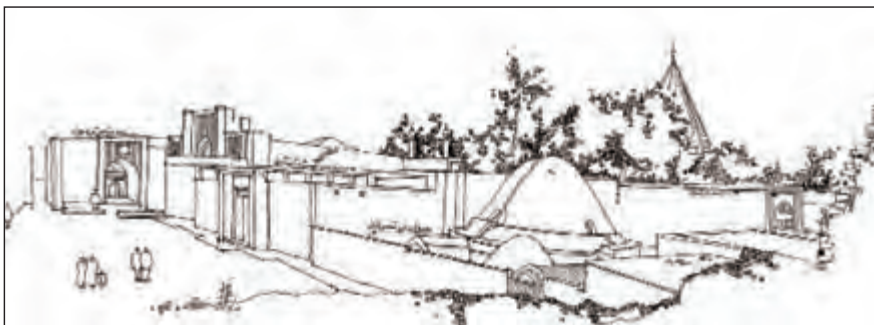
تصویر (شماره ۱۴): مراحل مختلف گسترش شهر از دوران اولیه شهرنشینی تا اوایل پهلوی اول (مأخذ: شناخت شهر و مسکن بومی ایران)



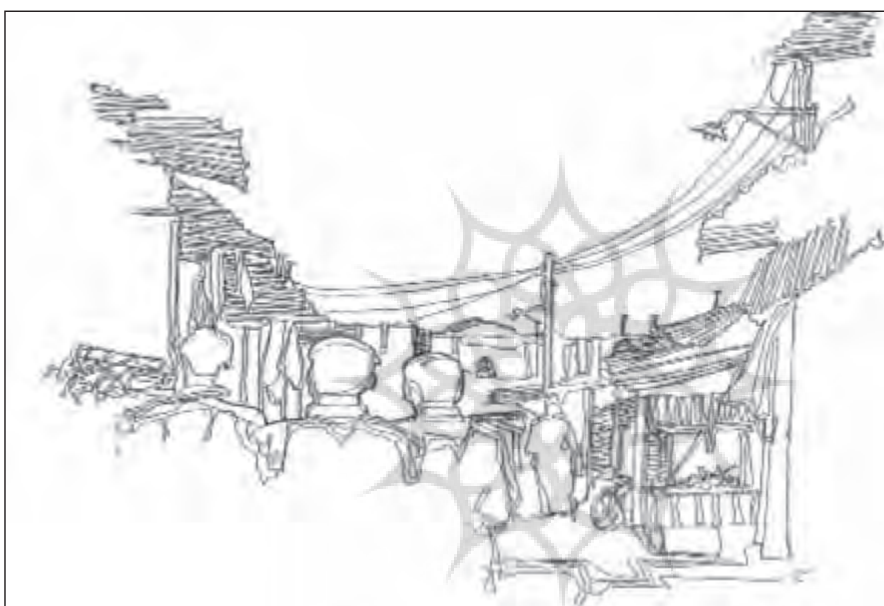
تصویر (شماره ۱۵): موقعیت خیابان‌کشی‌های جدید در درون بافت و قرارگیری مراکز محله و شهر (مأخذ: نگارندگان)



تصویر (شماره ۱۶): میدان شاه رکن‌الدین با کاربری‌های مسجد، امامزاده و حمام (مأخذ: صدیق، ۱۳۸۴)



تصویر (شماره ۱۷): الگوی خطی بازار آهنگران به صورت بازار روباز با توجه به شرایط اقلیمی (مأخذ: صدیق، ۱۳۸۴)



مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری

Modiriat Shahri

شماره ۲۲- زمستان ۱۳۸۷

No.22.winter 2008

■ ۳۶ ■

۲-۵- ویژگی‌های بصری تأثیر تجزیه‌گرایانه اتومبیل و جریان مداوم مصالح جدید و مدرستی از دلایل بارز عدم موفقیت در نیل به وحدت در جوامع مختلف است. به نظر می‌رسد در بطن طراحی معاصر یک حرکت تند و شدید ضدشهری نهفته است (هدمن، ۱۳۷۰: ۶). تغییرات اقتصادی، اجتماعی در دوران پهلوی و گرایش‌های تجددگرایانه، نوعی معماری نو و برون‌گرا را به نمایش گذاشت که در تعارض با معماری درون‌گرای شهر کهن قرار گرفت و سبب جلب ساکنان قدیمی بافت و جایگزینی مهاجرینی شد که هیچ‌گونه احساس تعلق و خاطره‌ای نسبت به شهر کهن نداشتند. نقطه اوج این جابه‌جایی در زمان جنگ تحمیلی در اثر خرابی‌های بسیار ناشی از اثابت موشک، درون بافت بود. (تصویر شماره ۱۹).

تا دوره پهلوی به علت تسلط الگوی درون‌گرا، دید مستقیم از عناصر به یکدیگر وجود نداشت و یا بسیار محدود بود اما در این دوره با احداث میادین و خیابان‌ها که درجه محصوریت اندک و لذا دید وسیعی داشتند، حوزه دید و چشم‌اندازهای جدیدی گشوده شد (تصویر شماره ۱۸).

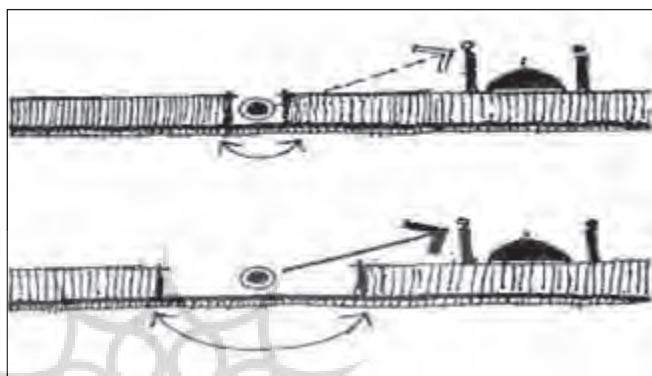
گسستگی بافت در بین سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۵ با احداث پل جدیدی بر روی رودخانه دز و امتداد آن به درون بافت قدیم بیشتر شد و سبب از بین رفتن بیش از پیش یکپارچگی بافت و فضاهای شهری درون آن شد (تصویر شماره ۱۹).

۶- سیمای کنونی بافت قدیم

در دسترس و ارزان در ساختمان خانه‌ها به شدت رواج داشته است. خشت خام و آجر نقش عمده‌ای را در ساختمان‌سازی شهر ایفا کرده است (تصویر شماره ۲۰).

با نگاهی به سیمای شهر دزفول، انطباق سیستم معماری و شهرسازی با ویژگی‌های طبیعی و جغرافیایی منطقه را می‌توان دید. استفاده از خاک به‌عنوان یکی از مصالح

تصویر (شماره ۱۸): حوزه‌های دید و چشم‌اندازهای جدید با احداث خیابان‌ها (مأخذ: حمیدی، ۱۳۷۶)



تصویر (شماره ۱۹): از بین رفتن یکپارچگی بافت با احداث خیابان‌های جدید (مأخذ: نگارندگان)



تصویر (شماره ۲۰): چشم‌انداز بافت قدیم دزفول، سیمای آجری شهر (مأخذ: وبلاگ کافی‌نت شهر)



اگرچه شهر دزفول در منطقه‌ای قرار گرفته است که از نظر ویژگی‌های آب و هوایی، متفاوت با بسیاری از شهرهای ایران است، اما بافت قدیمی آن همانند اغلب شهرها به شدت متأثر از مسائل اقلیمی بوده است و هماهنگی کامل خود را با شرایط آب و هوایی منطقه حفظ کرده است. عوامل اقلیمی مانند شدت و جهت تابش خورشید، گرمای زیاد هوا و جهت وزش باد مطلوب، به همراه عوامل طبیعی و توپوگرافی، در شکل‌گیری و پیچیدگی بافت قدیم دزفول نقش به‌سزایی داشته‌اند. با توجه به گرمای زیاد منطقه در بعضی از فصول، جایگیری بافت قدیم در کنار رودخانه، بی‌تأثیر از توجه به نقش رودخانه به عنوان تعدیل‌کننده دمای هوا نبوده است. به عبارت دیگر بادهایی که از روی رودخانه عبور کرده و به سمت شهر می‌وزند، به مثابه یک سیستم تهویه شهری عمل می‌کنند. جهت‌گیری بافت و معابر آن در جهت باد

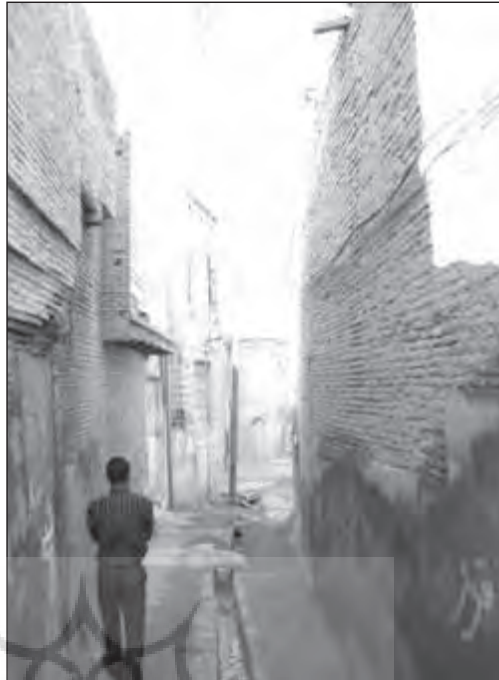
مطلوب و سعی در به درون کشیدن نسیم خنکی که از سمت رودخانه می‌وزد، به مانند یک سیستم تهویه شهری عمل می‌کند (تصویر شماره ۲۱).
همچنین بلندی دیوارهای یک طرف کوچه و کم‌عرض بودن کوچه‌ها موجب ایجاد سایه به روی دیوارهای طرف مقابل می‌شود و در نتیجه از تابش آفتاب و ایجاد گرما جلوگیری می‌کند (تصویر شماره ۲۲).
وجود معابر سرپوشیده و سطوح افقی بناها (ساباطها) نیز متناسب با شرایط ویژه اقلیمی مناطق گرمسیر است، به نحوی که امکان مقابله با گرما و ایجاد سایه را برای عابران فراهم می‌آورد (تصویر شماره ۲۳). آنچه که سیمای بافت قدیم دزفول را از سایر بافت‌های درون‌نگرای اقلیم گرم و مرطوب مجزا می‌کند، نقوش آجری بسیاری است که در نمای ساختمان‌ها و جداره دیوارهای بافت خودنمایی می‌کند و سبب شده تا شهر به همین نام خوانده شود^{۱۰} (تصویر شماره ۲۴).

تصویر (شماره ۲۱): نحوه قرارگیری معابر و بازشوها در جهت بهره‌گیری از تهویه طبیعی (مأخذ: نگارندگان)



۱۰- «دزفول شهر آجر» اثر غلامرضا نعیمی است که به بررسی نقوش آجری در بافت قدیم پرداخته است.

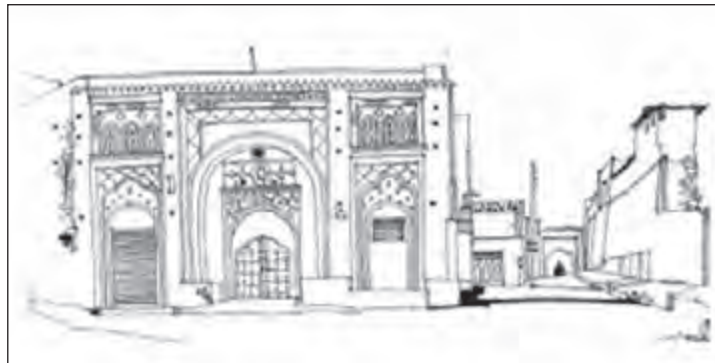
تصویر (شماره ۲۲): بلندی دیوار و عرض کم معابر سبب بیشترین استفاده از سایه و کوران می‌شود. (مأخذ: نگارندگان)



تصویر (شماره ۲۳): ساباطها مأمنی برای عابران در برابر آفتاب سوزان (مأخذ: نگارندگان)



تصویر (شماره ۲۴): نمونه‌ای از تزئینات آجری سردر منازل (مأخذ: صدیق، ۱۳۸۴)



مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Modiriat Shahrī
شماره ۲۲- زمستان ۱۳۸۷
No.22.winter 2008

■ ۳۹ ■

نتیجه گیری

شهر قدیم، میراث شهری گذشته ماست. این میراث کهن مفاهیم بنیادی شهر و معماری را برخاسته از بطنی اجتماعی با توجه به عوامل محیطی محفوظ نگاه داشته است. رویکرد تاریخی به شهرسازی قصد تاریخ‌نگاری ندارد بلکه واکوی این مفاهیم به منظور تحقق ارتباطی درون‌زا میان بخش‌های قدیم و جدید شهر را جستجو می‌کند. این رویکرد با قیاسی منطقی تحولات تاریخ حرکت شهر را برای شناخت فرصت‌ها و تهدیدهای موجود بررسی می‌کند و روشی برای اصلاح و تغییر آنها با استفاده از ظرفیت‌های پنهان و آشکار موجود در شهر ارائه می‌نماید. از دلایل مهم شناخت ساختار فضایی شهر در بستر تاریخی، احیا و باززنده‌سازی بافت قدیم شهر است؛ زیرا در اغلب شهرها ساختار و شالوده اصلی بر استخوان‌بندی بخش قدیم آن متکی است. در راستای تداوم بخشی به حیات تاریخی شهر، رشد مجدد شهر باید از درون آن صورت پذیرد. رشد شهر از درون بدون توجه به بافت کهن و شناخت درستی از ساختار فضایی آن در بستر اجتماعی شهر امکان‌پذیر نخواهد بود. شکل و کالبد شهر باید بتواند محیط اجتماعی سالم، فعال، بامعنی و متکی بر میراث‌های فرهنگی گذشته به وجود آورد تا بالاترین هدف شهر را که ایجاد محیطی انسانی و واجد ارزش‌های والاست، تحقق بخشد. بافت کهن دزفول با وجود استقرار بازار، و فعالیت‌های تجاری، هویت تاریخی و فرهنگی، جاذبه‌های توریستی بناهای منحصر به فرد درون بافت و وجود کناره رود دز که محدوده‌ای با پتانسیل بالا برای جذب ساکنان به این نواحی است و وجود امامزاده سبزقبا و مقبره‌ها و بناهای مذهبی بسیار دیگر می‌تواند فرصت‌هایی برای جلب دوباره ساکنان بومی ایجاد کند که به بافت، تعلق خاطر دیرینه داشته و توانایی نوسازی و بهسازی را دارند. حفاظت از بافت ارگانیک و محله‌بندی تاریخی و عدم دخالت مؤثر در شالوده‌شکنی ساختار فضایی، حفظ سیما و منظر شهری و انطباق با نیازهای زندگی امروزی با حفظ هویت تاریخی، راهکارهایی است که با وجود مدیریت کارآمد

شهری امکان تحقق‌پذیری طرح‌های باززنده‌سازی و احیای بافت‌های تاریخی را افزایش می‌دهد.

منابع و مأخذ:

- ۱- امام‌اهوازی، محمدعلی؛ مقالاتی درباره تاریخ جغرافیایی دزفول، دزفول: انتشارات دارالمؤمنین، ۱۳۸۲.
- ۲- پاکزاد، جهان‌شاه؛ مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری، تهران: انتشارات شهیدی، ۱۳۸۵.
- ۳- پورجعفر، محمدرضا؛ مبانی بهسازی و نوسازی بافت قدیم شهرها، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۹.
- ۴- پورعلی، حسنعلی؛ دزفول، تهران: افروز، ۱۳۷۴.
- ۵- توسلی، محمود؛ بنیادی، ناصر؛ طراحی شهری ۱، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۷۱.
- ۶- حبیبی، سیدمحسن؛ مقصودی، ملیحه؛ مرمت شهری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.
- ۷- حبیبی، سیدمحسن؛ از شار تا شهر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
- ۸- حبیبی، کیومرث؛ پوراحمد، احمد؛ مشکینی، ابوالفضل؛ بهسازی و نوسازی بافت‌های کهن شهری، انتشارات دانشگاه کردستان، ۱۳۸۶.
- ۹- حموی، یاقوت بن عبدالله؛ معجم‌البلدان، ترجمه محمود محمدی، تهران: انتشارات آژند، ۱۳۸۱.
- ۱۰- حمیدی، ملیحه؛ سیروس صبری، رضا؛ استخوان‌بندی شهر تهران، جلد دوم، معاونت فنی و عمرانی شهر تهران، ۱۳۷۶.
- ۱۱- رحیمیه، فرنگیس؛ ربوبی، غلامرضا؛ شناخت شهر و مسکن بومی ایران در شرایط آب و هوایی گرم و نیمه‌مرطوب، دزفول- شوشتر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۳.
- ۱۲- رشیدیان، نیره‌زمان؛ نگاهی به تاریخ خوزستان، تهران: انتشارات بوعلی، ۱۳۶۷.
- ۱۳- صدیق، مرتضی؛ طرح‌هایی از فضاهای معماری ایران، تهران: انتشارات هنر آبی، ۱۳۸۴.



- ۱۴- فلامکی، محمدمنصور؛ باززنده‌سازی بناها و شهرهای تاریخی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
- ۱۵- کوچک خوشنویس، احمدمیرزا؛ میزگرد بحران بافت‌های تاریخی و فرسوده شهری، ویژه‌نامه حفظ و احیای بافت تاریخی شهرها، ضمیمه شماره ۶۱ شهرداری‌ها، ۱۳۸۳.
- ۱۶- مقدسی، محمدبن احمد؛ احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه علینقی منزوی، تهران: انتشارات کومش.
- ۱۷- منصور، سیدامیر؛ میزگرد بحران بافت‌های تاریخی و فرسوده شهری، ویژه‌نامه حفظ و احیای بافت تاریخی شهرها، ضمیمه شماره ۶۱ شهرداری‌ها، ۱۳۸۳.
- ۱۸- نجم‌الدوله، حاج عبدالغفار، سفرنامه خوزستان، تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۴۱.
- ۱۹- هدمن، ریچارد؛ بازوسکی، آندروز؛ مبانی طراحی شهری، ترجمه راضیه رضازاده و مصطفی عباس‌زادگان، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۷۰.
20-Citycofenet (2006/3/6), www.citycofenet.blogfa.com/post-30.aspx, 2008/2/15



فصلنامه مدیریت شهری
Modirat Shahrī
شماره ۲۲-زمستان ۱۳۸۷
No.22.winter 2008

■ ۴۱ ■

